

سال جامع علوم اسلامی
مطبوعات و ...

گذری و نظری بر مطبوعات - دیروز و امروز - ایران

آیات و تلاوت

«پیش‌شماره اول» آیات که از آن به عنوان «نخستین روزنامه قرآنی جهان اسلام» یاد کرده‌اند، روز دوشنبه ۲۵ آبان‌ماه سال جاری همزمان با پانزدهمین دوره «مسابقات بین‌المللی حفظ، قرائت و تفسیر قرآن کریم» در تهران انتشار یافت. صاحب امتیاز روزنامه قرآنی آیات شرکت بیان نور و مدیریت و سردبیری این نشریه به ترتیب برعهده علی اکبر و محمدرضا ناری‌ابیانه است. در همان ایام برگزاری «مسابقات بین‌المللی حفظ، قرائت و تفسیر قرآن کریم» نشریه روزانه‌ای با عنوان تلاوت منتشر شد. تلاوت از روز دوشنبه ۲۵ آبان تا یکشنبه ۱ آذر ۱۳۷۷ همه روزه در ۱۶ و گاهی ۲۰ صفحه به قطع ۲۲×۳۳ انتشار می‌یافت. درباره پیشینه مطبوعات قرآنی در ایران پیشتر مقاله‌ای نوشتم با عنوان مطبوعات قرآنی: مروری بر نشریه‌های ادواری قرآن پژوه در ایران که در گرامی‌نامه صنعت چاپ (ش ۱۸۰، آذر ۱۳۷۶، ص ۳۶-۳۹) طبع و نشر شد. این مقاله پس از حدود یک ماه به وسیله یک خانم در مجله سروش (ش ۸۶۹، ۱۳ دی ۱۳۷۶، ص ۳۸ و ۳۹) تجدید چاپ شد! تفاوت این دو چاپ فقط این است که نام نگارنده این سطور به عنوان نویسنده مقاله حذف شده است و خانم محترمه مقاله را به نام خودشان چاپ کرده‌اند!!!

نشریه‌های موسمی

یکی از کارهای پسندیده در سالهای اخیر این است که در خلال همایشها، جشنواره‌ها و

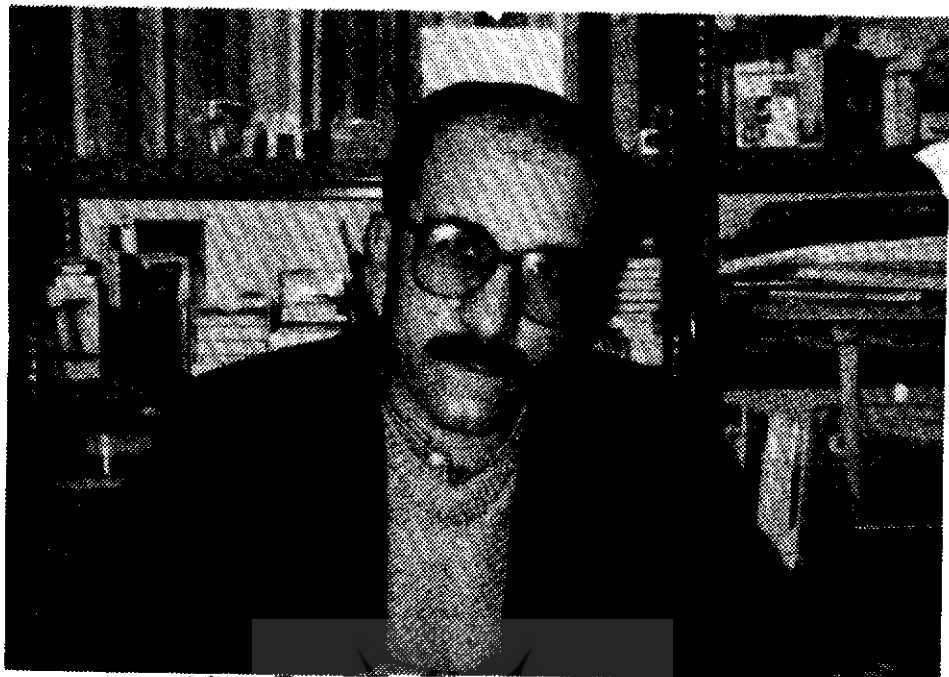
مسابقات ویژه‌نامه‌هایی به طور روزانه انتشار می‌یابد. این نشریه‌های موسمی عمدتاً اطلاعات ارزنده‌ای دربر دارند اما توزیع مناسبی ندارند و خواستاران این گونه نشریه‌ها به دشواری می‌توانند به آنها دست‌یابند. از سوی دیگر از میان دهها عنوان نشریه موسمی که در سالهای اخیر منتشر شده‌اند، تعدادی انگشت‌شمار در کتابخانه‌های معتبر کشور وجود دارند. شایسته است که گردانندگان این گونه نشریات حداقل برای کتابخانه‌های معتبر یک دوره بفرستند تا علاقه‌مندان امروز و آینده بتوانند راحت‌تر به این نشریات دست پیدا کنند.

دو نشریه موسمی

در اواخر مهر سال جاری به مناسبت برگزاری «نخستین همایش بررسی مسائل روابط عمومی ایران» سه شماره نشریه با عنوان هنر هشتم در ایام برپایی این همایش منتشر گردید. همچنین به مناسبت ششمین دوره هفته کتاب، نشریه هفته کتاب از ۹ تا ۱۷ آبان روزانه طبع و توزیع شد. این نشریه بدون تغییر در سرلوحه‌اش دو هفته بعد جای کتاب هفته را گرفت.

کتاب هفته

نشریه کتاب هفته پس از انتشار ۲۵۸ شماره به قطع رقعی، شکل و محتوایش تغییر کرد و با شعار «کتاب هفته نشریه هفتگی با هدف اطلاع‌رسانی برای کتاب‌دوستان، کتابداران و کتاب‌آفرینان» با شماره پیاپی ۲۵۹، و «شماره یک دوره جدید» دوره‌ای دیگر از حیات خود را آغاز کرد. این در حالی است که خانه کتاب ایران با انتشار انواع نشریه‌ها درباره کتاب که آخرین نشان کتاب ماه هنر بود، می‌رود تا ناشر رکورددار نشریات کتاب در ایران شود و همین امر موجب شده است که برخی از کارشناسان و علاقه‌مندان تصور کنند که در دل یک مجموعه کار موازی و دوباره کاری صورت می‌گیرد و بر این باورند که انتشار یک نشریه پر و پیمان و مرتب از سوی خانه کتاب ایران بهتر از انتشار بیش از ده عنوان نشریه در یک موضوع و از سوی یک مؤسسه است. این مسأله را با گردانندگان خانه کتاب نیز مطرح کرده‌اند. اما آنان باور دیگری دارند. یکی از مدیران خانه کتاب ایران در پاسخ به این سؤال که «کتاب هفته چگونه تغییر شکل کرده است؟» می‌گوید: «نشریه فعلی، بعضی از مخاطبین را راضی کرده که کتاب را از طریق ما می‌توانند بدون پرداخت هزینه‌ای تهیه کنند و در این زمینه ما نیز به این شیوه فعالیت می‌کنیم. مثلاً طراحی اولیه‌ای که بوده، تداخل عملی با کتاب ماه در آن دیده نشده. طبیعتاً با توجه به این که کتاب هفته به صورت هفتگی منتشر می‌شود و زمان انتشار آن کوتاهتر است، می‌توانیم مطالب را در همان شماره کتاب ماه منتشر کنیم و اگر چه هر دو در مجوز کتابخانه‌ها می‌توانند به یکدیگر افزوده شوند و کار



• سید فرید قاسمی

متفاوت است. دقیق‌تر بگویم تفاوت هفته نامه با ماهنامه در شکل ارائه اخبار و مقالات است»
(کتاب هفته، دوره جدید، ش ۳، شنبه ۱۴ آذر ۱۳۷۷، ص ۵).

یک خبر و یک نکته

در دو ملاقات از میان ملاقاتهایی که در ماه گذشته داشته‌ام، یک خبر و یک نکته در دفترچه یادداشت‌م نوشته‌ام که برای آگاهی خوانندگان گرامی در این جا نقل می‌کنم.

خبر: آقای دکتر ویلسون بیت منصور مدیر روزنامه آشور فرمود که آشوریه بنا دارند سال آینده به مناسبت یکصد و پنجاهمین سالگرد انتشار زار یراد بارا یا زاهر یرادی باهرا (اشعه نوری یا اشعه روشنائی) اولین نشریه آشوریه‌های ایران و جهان مراسمی در تهران برگزار کنند. نشریه زاهر یرادی باهرا در اوایل تشرین‌ثانی (نوامبر) ۱۸۴۹ میلادی برابر با ۱۵ ذیحجه ۱۲۶۵ هجری قمری - حدود دو سال قبل از روزنامه وقایع اتفاقیه - در ارومیه منتشر شد. جامع‌ترین تحقیق درباره این نشریه را هانیبال گورگیز انجام داده است که آن تحقیق در پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران (ش ۱، ۱۳۷۶، ص ۴۶۶-۴۸۱) به چاپ رسیده است.

نکته: در دیداری که با آقای محمد کلانتری «پیروز» شاعر و روزنامه‌نگار زحمتکش چهار دهه اخیر داشتیم، فرمود: «در دهه‌های چهل و پنجاه که برای نظارت بر چاپ مجله به چاپخانه

درخشان می‌رفتیم، کارگرهای چاپخانه چند میخ به دیوار زده بودند و لباسهای خود را به آن آویزان می‌کردند. این کارگران خوش‌ذوق بالای میخ‌ها این شعر را نوشته بودند:
هزار بار مرگ به از این سختی است برای مردم بدبخت میخ چوب رختی است.

خبرگزاری غیردولتی

در روزنامه ایران (ش ۱۰۹۹، شنبه ۳۰ آبان ۱۳۷۷، ص ۳) اعلانی با این عنوان چاپ کرده‌اند:
«خبرگزاری فارس نخستین خبرگزاری غیردولتی ایران مشترک می‌پذیرد».

به گردانندگان این خبرگزاری و سه خبرگزاری دیگر که گفته می‌شود به زودی آغاز به کار می‌کنند، تبریک می‌گویم و امیدوارم در این راه موفق شوند تا دیگر علاقه‌مندان نیز ترغیب شوند و شمار خبرگزاری‌های خصوصی در کشور ما «از عدد حاجت» بیشتر شود. اما یک نکته که لازم است بانیان خبرگزاری خصوصی در ایران بدانند این است که خبرگزاری خصوصی در ایران پیش از خبرگزاری دولتی شروع به کار کرده است. تاریخ تأسیس خبرگزاری دولتی در ایران که در آغاز با عنوان «مؤسسه آژانس پارس» و پس از چندین تغییر امروز به خبرگزاری جمهوری اسلامی «ایرنا» نامبردار شده، ۱۳۱۳ خورشیدی است و حال آن که سالها قبل از آن بخش خصوصی در ایران خبرگزاری تأسیس کرده است که به دو نمونه در پی اشاره می‌شود:

در سال ۱۳۰۲ خورشیدی به همت علی‌اکبر مشیرسلیمی، عباس مسعودی، جهانگیر مصور رحمانی، علی صادق‌زاده، محمد باقرنیک انجام یک خبرگزاری خصوصی به نام مرکز اطلاعات ایران به صورت شرکت سهامی در تهران راه‌اندازی شد. محل این خبرگزاری در ابتدا خیابان علاءالدوله (فردوسی) بود که پس از چند جابه‌جایی به «خیابان لاله‌زار خانه وثوق نظام» منتقل شد. مرحوم عباس مسعودی از مؤسسان این خبرگزاری سخنانی به این مضمون گفته است که:
«من و دوستانم در تمام وزارتخانه‌ها و ادارات پرسه می‌زدیم و پیاده اخبار روز را جمع‌آوری می‌کردیم و مشغول تنظیم آن می‌شدیم و در ساعت چهار یا پنج بعدازظهر به ادارات جراید تحویل می‌دادیم. هر روز به تعداد مشترکین اضافه می‌شد. ما مجبور بودیم برای جلب توجه روزنامه‌ها که اخبار را از ما می‌خریدند مضمون خبرها را تغییر دهیم و یک موضوع را به چند شکل بنویسیم. مرکز اطلاعات رفته‌رفته توسعه پیدا کرد. ما علاوه بر اخبار داخله، خبرهای خارجه را که در آن روز به وسیله آژانس‌های هاواس، رویتر، مسکو، برلن گرفته می‌شد برای روزنامه‌ها تهیه و تنظیم می‌کردیم. خبرهای مجلس شورای ملی نیز از مرکز اطلاعات به جراید داده می‌شد ولی حق اشتراک اخباری که در این مؤسسه با زحمت بسیار جمع‌آوری می‌شد آنقدر کم بود که تکافوی مخارج را نمی‌کرد و همین مبلغ کم را هم مدیران جراید آن روز نمی‌پرداختند

و همین مسأله موجب تعطیل شدن مرکز اطلاعات ایران گردیده.

باید دانست که مهدی ساعی از روزنامه‌نگاران ایران در عهد قاجار و پهلوی اول نیز پیش از خبرگزاری پارس در ایران، یک خبرگزاری کوچک راه‌اندازی کرد که در یک فرصت مناسب و در یک مطلب جداگانه با عنوان خبرگزاری‌های ایران از آغاز تا امروز به پیشینه خبرگزاری در ایران خواهم پرداخت.

اولین‌های خیالی

بازار چاپ و نشر مطبوعات - به رغم برگشتی بسیار زیاد آنها - هر روز شاهد نورسیده‌ای است. نکته‌ای که در این میان بسیار به چشم می‌خورد، این است که بسیاری از این نشریات نو واژه «اولین» را در آگهی انتظاری، آگهی انتشار و سرلوحه خود دارند. که به واقع این گونه نیست و پیش از آنها کسان دیگری که عمدتاً روی در نقاب خاک دارند در آن زمینه‌ها در ایران نشریه انتشار داده‌اند. اوایل سال گذشته که چند نمونه از این دست نشریات منتشر شد مطلبی با عنوان: اولین‌های خیالی و نخستین مجله سیمی ایران! در روزنامه اخبار نوشتم. چون این مسأله ادامه دارد، از این رو مبادرت به درج مجدد می‌کنم:

اولین‌های خیالی و نخستین مجله سیمی ایران

این روزها بازار روزنامه‌داری و مجله‌داری داغ است. در هفته‌های اخیر بر پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها چندین نشریه جدیدالولاده دیده‌ایم که امیدواریم «دولت مستعجل» نباشند و بمانند افزون بر آن، شنیده‌ایم که ده‌ها نشریه نو به زودی به زیور طبع آراسته خواهند شد. امید است که دست‌اندرکاران این نشریات نیز نیت خیر مگردانند که مبارک فالی است. این که چه تعداد از این نشریات به ارتقا فرهنگ عمومی و دانش تخصصی کمک می‌کنند یا چند درصد از دارندگان امتیاز نشریه‌های نو روزنامه‌نگارند و آیا یک روزنامه‌نگار خوب می‌تواند یک مدیر مطبوعاتی خوب باشد از حیطة این وجیزه خارج است و مجال دیگری می‌طلبد. غرض از این مقال ذکر نکته‌ای است که این روزها دامنگیر بعضی از مطبوعات نوظهور شده است و گروهی از مدیران نشریه‌های نورسیده سعی دارند و انمود کنند که کاری بکر را شروع کرده‌اند و با آوردن عبارات نادرستی در سرلوحه نشریه همچون «اولین نشریه فوتبال در ایران» و یا «اولین نشریه مخصوص دختران در ایران» و... به جامعه این نکته را القا کنند که کسی تاکنون در آن وادی گام ننهاده است. البته در ده‌ها زمینه موضوعی ما هیچ‌گاه مجله نداشته‌ایم و اگر کسی همت انتشار آن گونه نشریات را داشته باشد، باید «لوح تقدیر» بگیرد و حمایت شود. اما نمی‌دانم یک

کشیدن افتخار کاذب چه دردی را دوا می‌کند که بعضی بر آن اصرار می‌ورزند. ذکر دو خاطره در این باره برای روشن شدن پافشاری‌هایی از این دست خالی از لطف نیست.

اولین مجله سینمایی

روزگاری با یکی از پیران مطبوعات به گفت‌وگو نشسته بودم.

«استاد» در میان صحبت خود فرمودند که «امور خبری نخستین مجله سینمایی ایران را عهده‌دار بوده‌ام» و اصرار داشتند که بنده این نکته را در کتاب تاریخ مطبوعات ایران بیاورم که ایشان «نخستین خبرنگار سینمایی ایران» است. می‌دانستم که مراد «استاد» مجله هولیوود است و هولیوود نخستین مجله سینمایی ایران نیست. از مجله سینما و نمایشات که از مرداد ۱۳۰۹ انتشار یافته است و به دنبال آن نشریه سینمایی روزنامه ایران در سال ۱۳۱۲ و مجله نمایش که در سال ۱۳۱۷ منتشر شده است، سخن گفتم تا رسیدم به هولیوود که اولین شماره‌اش را در تیرماه ۱۳۲۲ طبع و توزیع کرده‌اند. اما استاد به این نکته اصرار می‌ورزید که «به هر حال من اولین خبرنگار سینمایی ایران هستم»!

نخستین مجله سیمی ایران!

در آغازین روزهای دهه ۱۳۷۰ در دفتر مجله نشسته بودم. فرد میان‌سال‌ی وارد شد و نام مرا بر زبان آورد. گفتم: بفرمایید، چه امری دارید؟

گفت: «شنیده‌ام که شما محقق تاریخ مطبوعات هستید»، می‌خواهم مجله‌ای منتشر کنم...

آمده‌ام با شما مشورت کنم».

گفتم: چه نوع مجله‌ای؟

گفت: «برای من مهم نیست چه مجله‌ای باشد فقط می‌خواهم اولین باشد»!

گفتم: رشته تحصیلی شما چیست؟

گفت: «روان‌شناسی».

گفتم: در زمینه روان‌شناسی تاکنون چندین عنوان مجله منتشر شده است.

گفت: «به نظر شما چه کاری انجام دهیم که اولین باشد».

چون حوصله جر و بحث بیهوده را نداشته و ندارم، گفتم: اگر می‌خواهید مجله را در زمینه

روان‌شناسی انتشار دهید به لحاظ «محتوا» دست شما بسته است، باید به لحاظ «شکل» کاری نو

ارایه دهید.

گفت: «چه کنم»؟

گفتم: توصیه بنده این است مجله را نه ته چسب کنید و نه مفتول بزنید. بروید مجله را سیمی کنید و بر سر لوحه آن بنویسید: نخستین مجله سیمی ایران!

فوق‌العاده

یکی از نشریات اخیراً فوق‌العاده‌ای منتشر کرد و در یک ستون آن فوق‌العاده نوشت: «سید فریدقاسمی در گفت‌وگویی با خبرنگار ما درباره تاریخچه فوق‌العاده‌نویسی در ایران گفت:...». من گفت‌وگویی با خبرنگار آن نشریه نداشتم و خبرنگار نوشته مرا تحت عنوان «فوق‌العاده» از نشریه چهارمین جشنواره مطبوعات قلع و قمع فرموده و به عنوان گفت‌وگو چاپ کرده است. چون نوشته‌ام درباره فوق‌العاده و گفت‌وگوی ساختگی آقای خبرنگار - هر دو - با غلط‌های فراوان به چاپ رسیده است، از این‌رو در این‌جا بخشی از یادداشتهای خود را درباره پیشینه فوق‌العاده‌نگاری می‌آورم.

فوق‌العاده به «شماره‌ای از روزنامه که به علت وقوع یک اتفاق مهم و یا به دلیل خاص، خارج از نوبت و ساعت و روز معمولی انتشار به چاپ رسد...» در فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری فوق‌العاده گویند. پیشینه نشر فوق‌العاده در مطبوعات به عهد محمدشاه قاجار باز می‌گردد و طلیعه نشریه بی‌نام میرزا صالح شیرازی را هم می‌توان فوق‌العاده قلمداد کرد. همچنین اعلانهایی که در فاصله دو شماره نشریه میرزا صالح شیرازی منتشر شده است از جمله اعلان بازگشت قوای ایران از اطراف هرات به مفهوم امروزی فوق‌العاده است. در عهد ناصری نیز ابتدا فوق‌العاده‌ها با عنوان خاص مثلاً «اعلان فتوحات جناب سپهسالار» در «پنج‌شنبه چهاردهم شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۱» و یا تحت عنوان اعلان دولتی، اعلان‌نامه دولتی و... منتشر شده‌اند. روزنامه‌های سفر ناصرالدین‌شاه به مازندران (۱۲۸۸ ق) و سفر خراسان (۱۳۰۰ ق) را نیز با اندک تسامح به رغم آن که عنوانهای مستقل داشته‌اند می‌توان در زمره فوق‌العاده‌های مطبوعات ایران در عهد ناصری دانست. میرزا صالح شیرازی، جبار تذکره‌چی (ناظم‌المهام‌خویی)، علیقلی اعتضادالسلطنه و محمدحسن خان صنایع‌الدوله (بعدها اعتمادالسلطنه) و... را نیز باید از پیشگامان فوق‌العاده‌نویسی در ایران محسوب کرد. سال ۱۳۲۵ ق نخستین گرمی بازار فوق‌العاده‌نگاری در مطبوعات ایران است. پس از آن با جزر و مد سیاسی بازار فوق‌العاده گرم و سرد شد. روزگاری یک اتفاق مهم ملی سبب نشر فوق‌العاده می‌گردید و گاه دعوای خصوصی انگیزه انتشار فوق‌العاده می‌شد. مبتذل‌ترین فوق‌العاده‌ها در تاریخ مطبوعات ایران در فاصله کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش تا انقراض قاجار و پس از شهریور ۱۳۲۰ ش در ایران منتشر شده‌اند. در روزنامه شعله درباره فوق‌العاده‌های ۱۳۰۲ ش آورده‌اند که: «... فوق‌العاده و تحت‌العاده می‌دهند. این چند

روزه بازار فوق العاده رواج گرفته و هر یک پنج تومان، ده تومان از طرف ولی نعمت ممدوح خود انعام گرفته [...] فحش داده‌اند [...] این بیچاره‌های ضعیف‌النفس به قدری گرسنه و بی‌نان هستند که هر کس دو تومان به آنها بدهد در ورق پاره خود [به او] فحش می‌دهند...». جالب است بدانید که میزان انتشار این فوق العاده چند برابر شماره‌هایی بوده است که به «روال عادی برنامه» انتشار می‌یافته‌اند. مرحوم غلامرضا روحانی درباره این «فوق العاده»‌ها سروده است:

می‌دهد هر کس که فوق العاده زر	مسدود او گویند فوق العاده تر
داد می‌زد دوش فوق العاده‌ای	گوش ما را کرد فوق العاده کر
می‌شود هر روز فوق العاده چاپ	بسکه در شهر است فوق العاده خرا

قطع روزنامه‌ها

پس از انتشار همشهری و به دنبال آن ایران و موفقیت این دو روزنامه بار دیگر قطع ۳۵/۵×۵۰ الگو قرار گرفت و شماری از روزنامه‌های جدید الولاده با آن قطع منتشر شدند. از جمله روزنامه عصر آزادگان نیز این قطع را انتخاب کرد. اما در میان ناباوری، این روزنامه پس از یکصد شماره تغییر قطع داد و در قطع ۴۳×۵۸ منتشر شد. دلیلی هم برای این تغییر قطع ذکر نکرده بودند و از مدیر نشریه که سالها مدیریت روزنامه‌های ابرار، ابرارورزشی و مدتی نیز مدیریت اجرایی روزنامه اخبار را عهده‌دار بوده است، و سوابق موفق مطبوعاتی داشته و امروز از مدیران با تجربه مطبوعات محسوب می‌شود بعید بود که چنین تصمیمی بگیرد. شاید دلایل اقتصادی داشته است و یا... در هر صورت باید دانست که قطع بزرگ ۴۳×۵۸ دیگر با فرهنگ امروز ما سازگاری ندارد. آن قطع متعلق به روزگاری بود که خانه‌های ۵۰۰ متری و ۳۰۰ متری می‌ساختند و الگوی مسکن ۷۵ متری در کار نبود. آن قطع متعلق به روزگاری است که اتوبوسها یا به عبارتی خودروهای بزرگ جمعی در هر ایستگاه که توقف می‌کردند مسافران به راحتی می‌توانستند روی صندلی بنشینند و از مبدأ تا مقصد اتوبوس صندلی خالی وجود داشت و در آن فضا مسافران می‌توانستند بدون آنکه دست مبارکشان به چانه و یا بینی بغل‌دستی‌شان اصابت کند روزنامه را باز کنند و بخوانند و...

باری، این قطع با الگوهای امروز ما همخوانی ندارد و ای کاش در گذشته نیز روزنامه‌های قطع بزرگ را با قطع کوچک‌تر چاپ می‌کردند تا امروزیان برای پژوهشهای خود بتوانند به راحتی از آنها استفاده کنند. عمده نشریات سالم بازمانده در کتابخانه‌ها قطع کوچک دارند و عمده نشریات قطع بزرگ یا از بین رفته‌اند و یا در حال از بین رفتنند.

درگذشتگان

در ماههای اخیر ابوالفضل مرعشی (مدرس روزنامه‌نگاری و مدیر روزنامه اتحاد ملل)، محمود پاینده لنگرودی (شاعر و روزنامه‌نگار)، حمید مصدق (شاعر و سردبیر نشریه کانون وکلا)، حسین عماد افشار (مدرس ادبیات فارسی در دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش روزنامه‌نگاری) دار فانی را وداع گفتند.

به شرح خدمات ابوالفضل مرعشی در پایه‌گذاری آموزش روزنامه‌نگاری در دانشگاه تهران در مقاله مؤسسه روزنامه‌نگاری دانشگاه تهران (پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، ش ۱، ۱۳۷۶، ص ۷۴۸-۷۹۳) اشاره کرده‌ام. نام او به عنوان مؤسس نخستین گروه آموزش روزنامه‌نگاری در دانشگاه‌های ایران در تاریخ مطبوعات خواهد ماند. در سالهای اخیر او پیر و زمین‌گیر شده بود و قادر به راه رفتن نبود و با بیماری که داشت دست و پنجه نرم می‌کرد و با مرور خاطرات گذشته روزگار می‌گذراند. تعداد افرادی که در دهه اخیر به ملاقات او می‌رفتند و احوال او را می‌پرسیدند از تعداد انگشتان یک دست فراتر نیستند. به وضوح نمی‌گفت اما از فحوای کلامش هویدا بود که توقع دارد به پاس خدماتی که در عمرش به آموزش روزنامه‌نگاری داشته است از وی تجلیل کنند و به نسل امروز خدمات او را یادآور شوند. غرض از نگارش این چند سطر یادکردی از او بود در فرصت مناسب اگر عمری باشد به حیات روزنامه‌نگاریش و آنچه که برای مطبوعات این کشور انجام داده است، خواهم پرداخت.

درباره شادروانان محمود پاینده لنگرودی و حمید مصدق دوستانشان مطالبی خواهند نوشت، یادشان را گرامی می‌داریم و از درگاه احدیت برای آنان طلب رضوان الهی می‌کنیم. چهارمین از دست رفته اخیر خانواده مطبوعات حسین عمادافشار است. او در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در شهر ارومیه دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشسرای عالی را در آن شهر گذراند و در همان جا به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. پس از پانزده سال معلمی در ارومیه راهی تهران شد و چهار سال - همزمان با تدریس - در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران به تحصیلات خود ادامه داد و موفق به اخذ لیسانس گردید. در دبیرستانهای تهران و آبادان و کرمان ادبیات فارسی تدریس کرد تا این که مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی در سال ۱۳۴۶ تأسیس شد و استاد عمادافشار تدریس آیین‌نگارش فارسی در مطبوعات را در این مؤسسه که بعدها به دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی تغییر نام یافت و امروزه به دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی نامبردار است، برعهده گرفت و ۲۶ سال دانش‌آموختگان روزنامه‌نگاری، روابط عمومی، علوم ارتباطات اجتماعی، علوم اجتماعی و... از محضر او بهره‌مند شدند. استاد عمادافشار افزون بر تدریس در این دانشکده در مرکز آموزش مدیریت



ابوالفضل مرعشی

دولتی و مرکز آموزش و تحقیقات رسانه‌ها تدریس می‌فرمود و تا آخرین روزهای عمرش مجلس درسش برقرار بود. استاد عمادافشار روز پنج‌شنبه ۲۸ آبان ماه سال جاری در سن ۷۸ سالگی به رحمت ایزدی پیوست. خدایش رحمت کند که تا اواخر عمر زنده‌دل و شاداب بود و بذله‌گویی‌اش ترک نشد. روانش آرمیده باد.

کیهان دورهٔ رضاشاه!

در آبان ماه سال جاری سردبیر یکی از روزنامه‌های صبح تهران در انجمن آسیایی نیویورک سخنرانی داشت. متن سخنرانی ایشان در روزنامه همشهری (ش ۱۶۹۷، شنبه ۳۰ آبان ۱۳۷۷، ص ۱) چاپ شده است. بخشی از سخنرانی ایشان در جمع انجمن آسیایی آمریکا چنین بوده است:

«... تحول ناشی از سقوط خاندان قبیله‌گر قاجار و شکل‌گیری نوعی دیگر از سلطه سلطنتی اولیگارشی، مطبوعات نیز در عرصه حضوری نو، تحولی را به بار نشانندند و روزنامه‌های اطلاعات و کیهان در سالهای حداثه ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ شمسی را نتیجه و حاصل منطقی آن تحول در آن دوران نامید...».

.. به استحضار ایشان می‌رساند که روزنامه کیهان از ششم خرداد ۱۳۲۱ منتشر شده است.

به رغم رشد کمی مطبوعات در سالهای اخیر و تعدد و تنوعی که در این عرصه پدید آمده است، هنوز تیراژ (= شمارگان، شمار، میزان انتشار و...) به نیمی از آنچه که از جمعیت کشور توقع می‌رود، نرسیده است و میزان برگشتی مطبوعات بسیار زیاد است. یکی از شاخصهای ایرانی دستیابی به میزان برگشتی مطبوعات در ایران قیمت «روزنامه باطله» است. سال گذشته قیمت هر کیلو روزنامه باطله ۸۰ تومان بود. این رقم در این روزها به هر کیلو ۱۰ تومان تنزل یافته است و خریداران روزنامه باطله از خرید برگشتی مطبوعات امتناع می‌کنند. چون انبارهایشان پُر است. بازتاب این معضل را در «یادداشت‌ها»، «سرمقاله‌ها» و... نشریات می‌توان یافت. یکی از روزنامه‌نگاران قدیم که چند سالی است با نام بهار ایرانی به فعالیت خود ادامه می‌دهد به درستی این مشکل و سایر «مشکلات نهادی مطبوعات» را در مجله گزارش فیلم یادآور شده است. وی می‌نویسد که: «مطبوعات در پرتگاه بحرانی دیگر فرو افتاده‌اند. چه شده است در این ماه‌های آخر تابستان و اول پاییز سال ۱۳۷۷ که مردم از مطبوعات قهر کرده‌اند؟ نماینده قدیمی توزیع شهرستان که در جست‌وجوی بحران، بخش اعظم ایران را زیر پا گذاشته، پاسخی ساده به این پرسش می‌دهد: مردم مطبوعات را تحریم کرده‌اند... و از زبان آمار دلیل می‌آورد: - فلان روزنامه صبح از تیراژ ۳۰۰ هزار به ۵۰ هزار فرود آمده... - آن نشریه خانوادگی که فقط در خوزستان ۶۵ هزار نسخه می‌فروخت، اکنون در سراسر ایران تنها به تعداد خوزستان فروش دارد، در حالی که تیراژ آن از ۳۵۰ هزار می‌گذشت. - آن هفته‌نامه ورزشی که ۱۲۰ هزار نسخه می‌فروخت، اکنون فقط ۱۰ درصد آن را می‌فروشد، یعنی ۱۲ هزار نسخه و... آمار بی‌پایان [...] آنچه بر شدت بحران افزوده، تنگنای خوفناک اقتصادی است [...] هرگز تصویر آن کارمند شریف - که به داستان داستایوفسکی می‌ماند - از خاطرم نمی‌رود که نوشت: می‌رود مقابل دکه روزنامه‌فروشی می‌ایستد، به مجلات محبوب خود می‌نگرد و می‌گیرد. و تلاش بی‌سابقه مسئولین ارشاد را هم باید در حافظه تاریخ نوشت که با چنگ و دندان می‌کوشند مطبوعات را از این توفان یخ پاییزی نجات بدهند و... اگر بحران ادامه یابد، اگر مردم با مطبوعات آشتی نکنند، اگر تعادلی پیدا نشود؛ فقط راه برای افراط هموار خواهد بود. اگر بر معضل کنونی فائق نشویم، جو ناسالم کنونی که در آن یا نشریات بی‌پروا و ضد اخلاق بازار دارند و یا نشریات تند سیاسی، نهادینه خواهد شد. تعادل رخت خواهد بست و چندان نخواهد پایید که مطبوعات تخصصی و میانه به خاطرهای تبدیل خواهند شد و لب‌خندی بر لب آنان خواهند آورد که به کمتر از مرگ مخالف سلیقه خود، راضی نیستند» گزارش فیلم، س ۹، ش ۱۱۶، ۱ آذر ۱۳۷۷، ص ۷.

ایران‌نامه و گنجینه اسناد

در پاییز سال جاری دو مجله فارسی شماره ویژه مطبوعات و روزنامه‌نگاری ایران منتشر کردند: ایران‌نامه چاپ آمریکا و گنجینه اسناد چاپ ایران. این دو ویژه‌نامه تاریخ «بهار و تابستان ۱۳۷۷» را دارند. «فهرست مطالب» گنجینه اسناد به این شرح است: «بهار مطبوعات» سیدحسین شهرستانی، «میرزا صالح شیرازی و کاغذ اخبار» علی کریمیان، «آملاعمو، ارگان انجمن اسلامی» سیروس برادران شکوهی، «اسنادی از توقیف روزنامه‌های پیکار و نهضت در برلن (۱۳۱۱) - (۱۳۰۹)» علیرضا اسماعیلی، «اسنادی درباره مشیر سلیمی» غلامرضا سلامی، «نشریه حزب میهن‌پرستان» محسن روستایی، «اسناد منتشر نشده مطبوعات آذربایجان» غلامرضا عزیزی، «نشریه زنان روزنامه‌نگار و نویسنده» سیدفرید قاسمی، «مطبوعات کودکان و نوجوانان از ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷» محمود طاهر احمدی، «اسنادی درباره وضعیت مطبوعات در عصر رضاخان» علیرضا روحانی، «معرفی، نقد و بررسی تصویب‌نامه مطبوعاتی تیراژ مسعود کوهستانی نژاد و معرفی کتاب».

ایران‌نامه: ویژه روزنامه‌نگاری ایران نیز این مطلب را دربر دارد: «نگاهی به منابع تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانی و فارسی» ناصرالدین پروین، «سرمقاله‌نویسی و سرمقاله‌نویسان معروف ایران» احمد احرار، «صد سال از روزنامه‌نگاری به سیاست» داریوش همایون، «مطبوعات ایران در برابر سانسور» احمد کریمی حکاک، «اخلاق سیاسی و اخلاق روزنامه‌نگاری» هوشنگ وزیری، «کاوه برلین و کاوه مونیخ» محمد عاصمی، «از مجله موسیقی تا ماهنامه رودکی» محمود خوشنাম، «در کیهان خاطرات» مصطفی مصباح‌زاده، «اخلاق حرفه‌ای و روزنامه‌نگاری ایرانی» - برگرفته از مجله رسانه چاپ تهران - لیلا رستگار، «نام‌هایی که مطبوعات ایران به خود دیده‌اند» اسمعیل پوروالی، «خاطراتی از دوران مجله فردوسی» عباس پهلوان، «از محرمعلی خان سانسورچی تا مصطفوی سرمقاله‌نویس: نقد و بررسی کتاب شبه‌خاطرات دکتر علی بهزادی» صدرالدین الهی.

در مقاله «نگاهی به منابع تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانی و فارسی» نویسنده محترم مطالبی مرقوم فرموده‌اند که نیازمند نقد است ولی فعلاً مجال این کار نیست و پاسخگویی به تمامی آن نوشتار در این مختصر نمی‌گنجد. اما پاره‌ای موارد را که درباره کتاب راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار نوشته شده است برای مزید اطلاع ایشان در این جا یادآور می‌شوم:

نوشته‌اند که «برای پژوهشگر تاریخ روزنامه‌نگاری، فهرست مشترک موجودی کتابخانه‌ها بسیار سودمند است. در این زمینه تاکنون سه فهرست تنظیم شده است. دو عنوان در خارج از کشور و یک عنوان در ایران. «در ایران» فرید قاسمی به سال ۱۳۷۲ راهنمای مطبوعات ایران

عصر قاجار را با ۹۶۷ عنوان (فارسی و غیرفارسی) انتشار داد [...] ایشان پس از اشاره به «پاره‌یی سودمندی‌هایی این مجموعه نوشته‌اند: که «معرفی عنوان‌ها و جاهای نگاهداری بیش از اندازه مختصر است» و مرقوم فرموده‌اند که باید به چه شکل ارائه می‌شد. چون ویرایش دوم این کتاب در آینده منتشر خواهد شد، دانستن نظر ایشان ضروری است. اگر به شکلی نگارنده را مطلع فرمایند تا این ایراد را برطرف کنم، مزید امتنان خواهد بود. دیگر این که نوشته‌اند «روزنامه‌های برونمرزی را در نمی‌گیرد». همان طوری که از عنوان کتاب پیداست، این کتاب راهنمای مطبوعات ایران است نه راهنمای مطبوعات فارسی و یا راهنمای مطبوعات ایران و فارسی‌زبان جهان و یا... اما به جهت تکمیل کار «روزنامه‌های برونمرزی» در این کتاب آمده است. اما نه در متن، بلکه در پیوست شماره ۴. عنوان پیوست شماره ۴ کتاب راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار این است: فهرست مطبوعات فارسی‌زبان چاپ خارج از کشور.

مطبوعات فارس

به لطف دوست عزیزم دکتر احمد شعبانی مدرس کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه اصفهان شماره‌های ۱۳ و ۱۴ مجله وزین فرهنگ فارس به دستم رسید.

در این مجله مقاله‌ای دیدم با عنوان «بررسی روزنامه‌نگاری فارس در دوران قاجار» که در آن نویسنده محترم نوشته‌اند: «شیراز بعد از تهران و تبریز سومین شهر ایران بود که صاحب روزنامه گردیده که این طور نیست و درستش این است: تهران، ارومیه، تبریز و بعد شیراز. البته این ترتیب بدون احتساب روزنامه‌های سیار است.

درباره روزنامه‌هایی که سیدضیاءالدین طباطبایی منتشر کرده است - همچون دیگر نویسندگان شرح حال سیدضیا - نوشته‌اند که «روزنامه ندای اسلام را در شیراز و روزنامه‌های رعد، برق و شرق را در تهران منتشر می‌کرده. باید دانست سیدضیا ابتدا روزنامه اسلام و سپس ندای اسلام را در شیراز انتشار داد. شرق و برق و رعد هم که نامهای روزنامه‌های او در تهران است. درباره فعالیت‌های شب‌نامه‌نگاری وی نیز بنگرند به: «محاکمه سیدضیاءالدین طباطبایی» محمد گلبن در کتاب هفتاد مقاله (تهران، اساطیر، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۴۲).

نویسنده محترم در جایی از مقاله خود مرقوم فرموده‌اند که آمارهای مقاله خود را از کتاب راهنمای مطبوعات ایران گرفته‌اند و نوشته‌اند که قاسمی «دوره قاجار را تا سال ۱۳۰۴ شمسی حساب کرده است» و نوشته‌اند که باید دوره قاجار را تا چه تاریخی حساب کرد!

در جای دیگری از این مقاله نوشته شده «فرید قاسمی [...] در مقاله‌ای [...] می‌نویسد ۱۸ شماره از این روزنامه [المنظبه فی الفارس] را در اختیار دارد» که عین نوشته من این است:

نگارنده، تصویر بیست شماره از المنطبعه فی الفارس را در اختیار دارد...».

در آن مقاله از یک کتاب و یک مقاله نگارنده این سطور بهره فراوانی برده است. در ارجاع به کتاب نام کتاب و نویسنده مشخص است اما ارجاع به مقاله این گونه است:

«تاریخ معاصر ایران - شماره اول - سال اول - بهار ۱۳۷۶».

باید این ارجاع را چنین می‌آوردند:

«المنطبعه فی الفارس نخستین نشریه شیراز». نوشته سیدفرید قاسمی، تاریخ معاصر ایران، س

۱، ش ۱، (بهار ۱۳۷۶)، ص ۱۲۸-۱۳۴.

باری، بحث مطبوعات فارس بسیار دامنه‌دار است و به رغم آن که کتاب و مقالات متعدد درباره مطبوعات آن دیار نوشته‌اند باز هم جای کار دارد و امیدواریم به همت پژوهشگران گرانقدر شیرازی تاریخ مطبوعات فارس به طور مبسوط نوشته شود.

در پایان برای غنای این نوشته شماره یک نشریه فارس که به مدیریت فرصت‌الدوله در ۱۳۳۱ق در شیراز انتشار یافته و از زمره نشریات کمیاب است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌های معتبر کشور موجود نیست، عیناً تجدید چاپ می‌شود تا برگ دیگری بر تاریخ مطبوعات فارس افزوده گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عنوان اسلات

شیراز - اداره معارف

مدیر فضا الدوله

هنه یگرتبه طبع یشو

فارس

میت اشتراک سالیانه

شیراز - پانزده قران

سایر بلاد - دوه تومان

نمره - سه شاهی

۱۳۳۱ اول ماه فرمعی ۱۹۱۳ میلادی

۱۳ اردی بهشت جلالی

سه شنبه پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۳۱

فخر جمای الذین یستعملون القول فیتعین احسنه اولیک
 الذین یرسیم الله اولیک هم اولو الالباب
 چاره در دای گو مانگون این ملک و بدختیای رنگارنگ
 این مشلت بازگشتن مصایب جتین چاره پذیرفتن جن
 قولت در راه گفتن و شستن بازماند روزنامه که سخن در پرده
 اعتدال گوید نیک سرایده سپوده نخرود شد اش جدید نفروز
 هر چند دارد و مجرب نماید بی اندازه بکار نبرد عرض نخرود و شتیا
 نفروشد و الذین اجتنوا الطاغوت ان یعبده و انا بوالی الله
 لهم البربری
 امیدواریم بفضل قدیم و من کریم که درین نامه که تکیه
 نسخه منتشر خواهد شد خیر تک و صلاح وقت را عبارات
 ساده پیرا زیم بدختیار بازار گویم و نیکبختی را بازار کنم
 هرگز این نامه مشتعل خواهد بود بر مقال اخلاقی
 فصلی از اخبار و ذکر می از اخبار جمعی علمی و مجلی علمی
 مقالات واره با سم در رسم و قی درین نامه درج خواهد شد
 که مشتق بر فایده و خالی از زاید باشد خواستیم که
 نگارندگان مستمر بطول عنوان و اطباء این میدانرا
 بر اینصنمه مختصر تنگ کنند و بماقل و ذل کفایت فرمایند
 که تصور لطف صورت نیست بلکه حسن منعی است در مطابقت
 مندرج قانون انطباعات ملاحظ خواهد گشت

این ملک سیلانت که امروز احوالی را ازندان سکنه
 می نماید همین مردم که در مصنیق جبال و تنگنای
 غفلت مانده از تدبیر منزل خویش عاجز شده اند جهان
 اهل فارس اند که در ریاست استعدای آنها دست
 خیر البشر میفرماید لکنان المسلم فی الرضا لکامله ربنا
 من اهل فارس
 معلومات عالم بالا پیشکش فردا در خدمت سرور
 رسل با چهره و سر بر آوریم ماکه در اول قدم سر منزل
 انصافت پای بهمان شکسته است و از تدبیر منزل
 هم فخر و مانده ایم دست غفلت بر سر جهالت گذارده و قدم
 سستی از صفاد افس کشیده ایم با انواع که درت آلوده ایم
 بمت بیار مروت بنا سعادت بیر مزد آن گرفت
 جان برادر که کار کرد غفلت تاکی خلالت آنچه در خیر
 اغراض آزادی خواستت حمیت چند انصاف طلب
 کنی بی انصاف آخر از این اعمال زشت نجاتی یا از این انگار
 نامتجار ملاتی فساد سپرخ ننیم و نشنید که چشمها
 کور است و گوشها همه که رشته معارفان گسته در راه
 تجارتان بسته بزدی و خویش بیچاول بر گرم غافل
 از اینکه چه کنیم چه کنیم چه کنیم چه کنیم این سخن
 مان ندارد و گذر از زمان که در آن وقت دگر

حسن باب

ساده تنای دولت فخر انگلیس در دوره آشفته کلی که بواسطه انقلاب مشروطیت برای دولت ایران پیش آمد انحراف من انگلیس است و آنگاه واقف سیاسی خوب میدانند که اگر بافتنای اسلوب سیاست همراهی دولت فخر انگلیس نبود اشکالات بزرگتر برای دولت ایران حاصل میشد و شاه با طرقت عظیمه رخ میسوزد تیغ زحمت رجال این مملکت در خط استقلال وطن بر او قسمتهای باوی و مسنونی آن همسایه دوست هموار بود که بمحاله آتش قهقاری عظیمه نسبت دستار و نیکبختی از اقی استقلال وطن طالع شده حمایت کارگزاران دولت فخر انگلیس در هر موقع از و نظیر آن ایرانی و جلوه گیری از فشارهای طرفداران به نظر مستقیم در امور این مملکت مشهود است لگت مالی که بمزای ساعده عرض در موارد دیده و مضائق شده به کرده محتاج تشریح نیست و اگر آن اقدامات را عملی بشود نمایان اراده و سنیا پر اطوری که اینک در بران قشون بنداز ساعت ایران فرموده اند مجلس آن تصور است مشقت حقیقی آن دولت فخر انگلیس را در سیکوهای نسبت باین دولت هموار نموده شود سیکندارد که با وجود وقوع بعضی حوادث ناگوار که برخلاف رضایت مناسی این دولت از روی تصور ضابطه و سود اقتصادا حادث شده و بواسطه نقص اسباب و مزایع طبیعی هنوز آنطور که میبایست جریان نشده است نظربین مکه که کارای ایران باید بدست ایرانی اصلاح شود باز باندک روشنائی که در امور بروز کرده و تا جنائی که اربابا

۲۸۶

این دولت در تدارک باقات او اند برای اثبات هم آ دروغ بعضی محطورات در انموقع اعظمیت تو بیگت پادشاه کل انگلستان و امپراطور هندوستان و غیره قشون خود را از ایران امر بدست فخر سوره مانده و در زشم باه اوریل مطابق سبت و هشتم ریح الثانی از شیراز بطرف بوشهر و از بوشهر بطرف هند حرکت خواهند کرد و در مقابل این برای از طرف اولیای دولت قیامات اکیه رسیدند که در جریان آنوقایع با ضمیمه زاید اعلی باسقی استام و بعد بعد بمنزل شود و شرایط دوستی و روابط تجاری با اعلی در وجه اقتضای محوطه گردد لازمت عموم ملت وطن دوست و اسلام پرست در خط حقوق مشروطه بین الملل با اولیای امر خواهد استمان شده خط حقوق خود را بر مانت خط حقوق مشروطه دولت هموار از صمیم قلب در عهده بلیند بیت خود بنیاسند

اخبار

اشرار طرایف غمزه که در گاهای است اسباب نعت خلق و اشتغال مالی شده بودند در این او اخبر بطرف بندر عباس طیناز از حد که زانیند با نه از نه که روسا و عقلای آنها شگفتانیا بر کفر ستاده اند او دولتی خرابند که جبال و مغنیزا گوشمالی بدینند لهذا اقوام الملک نامند انجام انجمن دست گردیده بریاست اردوی دولتی سسل بر پیاده و تو پخانه و سواره روز یکشنبه ۲۸ ریح الثانی بطرف فضا حرکت کردند

۳۳ کازرون قشون هندی امر دز صحرایست و از کازرون شده سردار عشایر سواران خود را تا

پل آسکینه جلواتنا فرستاده از قنول و مجلس و قشون
هنده پذیرائی نمود

۲۳ کازرون قشون هندی صبح با تفاق سارا
سردار شایر حرکت کرد و قنول هم تا تنگ ترکان همراه
قشون رفت و از آنجا کازرون مراجعت میکند

۲۵ عمل بر ازجان امروز مقارن ظهر قشون مجلس
دارد بر ازجان شده در نزدیک آبادی منزل کرده اند
غشتر سلطنته نایک میدانی استقبال رئیس قشون کرد
با تفاق یکدیگر بشکرا خوانند و مجلس رفته و ملاقات کردند
لوازمات آنهارا هم تهیه اسباب تسهیل کارشانرا از
قیل آب و آذوقه فراهم کرده اند فردا صبح حرکت
خواهند نمود حسن ۲۶ عمل

امیدواری

جناب سردار شایر ایغائی با کمال جده مشغول تنظیم
امور ایل قشقائی و مراقب خدمات دولت است حال
بزرگ محکمت که دیر وقتی نیست که بنجره مشغول بودند امروز
با جان و مال مشغول خدمت بنوع هسته خداوند توفیق
بهر کس در بسیاری غفلت گذشته را بیدل بخت در آید
چیران کنند

انضیا

عدلیه و معارف که همیشه دو اداره محروم از توجهات
دولت بودند بسی حضرت ایالت کبری بود چه برای هر دو
اداره ترقیب داده شده است امید که بتجرب و دنیا
امور هم رسیده انشاء الله آند اداره درنده پسند
ترقیی بغزاف حال حاصل نمایند

۹ و ۹

سالار نظام که از برای ریاست فوج اول فارس از
طهران عازم شده بود در محبت مشاوری نظام و مصطفی خان
روز جمعه ۳ جمادی الاولی وارد شد روز یکشنبه ایالت
جیلد میدان توپخانه رفته از نظام حاضر سان دیده
سالار نظام را بمسرتی و تجمعات حاضره بنیابت
ریاست قشون معرفی کردند

موافق اطلاعی که حاصل شده است سالار نظام
از صاحب جنسین تحصیل کرده در مدارس اسپانیا
و دارای معلومات نفیست در جنگ سالارالاولی
هم شرکت فسخ و نظر بوده است در فن توپخانه حساب
علم و عملت انشاء الله خدمات معرفی الیه تعزیر
نظور خواهد رسید

بارای پوست صمغ آقا که کاریان با عمارت شکران
بویرا احمدی عمل کرده بودند خود شکرانند در شورشجان
از راه سمرقند فرود پنا برده احکام منوکه از طرف
ایالت جیلد صادر شده بسی ملاقات بسی ستمی استروا
شده سوای یازده بار پوست و دود قاطر در
ایزدخواست تحویل کاریان کرده و از طرف وزارت
جیلد و اخلا و ایالت عظمی ملاقات مورد تمجید شد کتوب
سرداری ترمه برای سپر ملاقات که ۱۰۰ برای سید
ید الله نایب ایزدخواست که در این سلسله زحمت
کشیده بودند توسط حکومت آباد فرستاده شد قشون
که همه روشسای ایالت بملاقات آسای نمایند
جیب الله خان سرتیب که با پنجاه سوار با سوار استروا و با

ذی کعبه و غیره است در بیان منظره فاخر السلطنه با
 و توپ و پیاده در این دوروزه ما زمام است که از اثرات
 و بار استرداد شود.

سه تا اندامی که جدیداً از طهران بخارس اعزام شده
 مثل چهارصد و پنجاه سواره و پیاده در محبت چهار نفر صاحب
 منصب سوئی من جمله کفل ایالتی من رئیس کل ژاندارمری
 روز ۲۲ برج الثانی وارد شیراز شده در روز ۸ جمادی الاولی
 بطرف بوشهر حرکت کردند.

مهمان محترم

جناب ... وزیر مختار فرانسه موسیو لوکت که در محبت
 ژاندارمری برای سیاحت آثار فارس پیش از تشریف
 آورده اند و غرمت مشاورد داشته باشند بواسطه خشکی راه
 حرکت بشاگرد متوقف گردیدند.

کابین کلین امور نظامی دولت المان در سفارت طهران
 در محبت ژاندارمری پیش از سیاحت آمده اند و شب ۲۶
 برج الثانی در ارک دولتی از جناب وزیر مختار پیرانی
 خوب نمایانی شد.

ظمنیه

دزدی که در چند وقت پیش در خانه خانم سلطان امحاجیه شده
 بود برگه اش بستانده بدزد هم آورده چینی برده شده است.

خط مستقیم

اولی که در هند سه مصلی مباحث است خط مستقیم است که
 آنرا از بابت شدت و ضرواح عدم حاجت بر آن شکل جاری
 هم گفته اند یعنی که هرگاه در نقطه غلبه گذارند در نقطه دیگر
 حاریر را که سهند سیران حار برای رسیدن بعلف خط

خط مستقیم علی خط مستقیم علی است که پیش تقدیر از

مخاوات نقطه دیگرش منفر بنا شد

نصیحت

نصیحتی که در این نمره برادران خود سیستونم به هم انست که
 در سفر دیگران باشند در بند خود نگار همه ساز شود انشا الله

اخبار خارجه

لندن ۵ آوریل از صوفیه متعاین توسط دول دبایر
 ذیل قبول کرده اند ۱- خطی شناسای دول ما نسبت به
 طرایف بنای مذکور باشد نه قاطع ۲- جزایر بحر مدی
 و اگر از شود ۳- متعاین قبل از وقت بدانند که حد
 ابانیه موافق مذاکرات مجلس لندن خواهد بود ۴- اسامی
 خسارت جنگ پذیرفته شود و آن در کسبونی با حضور
 نمایندگان متعاین مقرر شود

لندن ۷ آوریل - طهران - ویرود دولت ایران
 ده بیست هزار لیره از دولت روس قبول کرده است
 سه سال آنقرض را بپردازد ساعده انگلیس امروزه پیشش
 لندن ۸ آوریل - در موضع بالکانز ناریکت می بند سیر
 دستة قشون عثمانی را در تحت فرمان جاوید پاشا کلکت
 داده بزارد بانصد امیر گرفته اند - با وجود فتح او بر
 اندامد و فوج صرفه مرکب از سربازان
 صلح طلبی لبنان رستان شده است

پکن - مجلس پارلمان چین امروز افتتاح شده به جا
 جشن برپا و خیابانهای پکن زین بوده است برانگی
 نماینده برای تبریک و نیکوخواهی مجلس فرستاده هزار
 سال عمر برای بقای این قریب خواسته است

جلد محمدی شیراز